

# دکتر دانیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه ۱۱، خدمت سیار عیسی، زنان و مثل بذریاش، لوقا ۸: ۱-۲۱

دن دارکو و تد هیلدیرانت © 2024

این دکتر دانیل دارکو در حال تدریس در مورد انجیل لوقا است. این جلسه ۱۱، خدمت سیار، عیسی، زنان و تمثیل کشاورز است. لوقا ۸: ۱-۲۱.

به مجموعه سخنرانی‌های آموزش الکترونیکی کتاب مقدس در مورد انجیل لوقا خوش آمدید. در سخنرانی قبلی، به عیسی و زن گناهکار پرداختیم. در آن روایت، بر این واقعیت تأکید می‌کنیم که عیسی برای همه مردم آمده است و عیسی همه مردم را درگیر می‌کند.

او در صحنه‌ای با فریسیان بود و دقیقاً شمعون فریسی او را به خانه‌اش دعوت کرده بود. و در آن صحنه بود که زنی که به گناهکار بودن معروف بود، با عیسی تماس گرفت و حرکاتی از خود نشان داد که در غیر این صورت مشکل‌ساز می‌شد، اما عیسی از این فرصت استفاده کرد تا به فریسیان نشان دهد که در واقع او نه تنها برای پرهیزکاران، بلکه حتی برای کسی که آنها گناهکار می‌دانستند، آمده است. او بخشش و آرامش را به این زن اعلام کرد. با رفتن به فصل ۸، در حالی که عیسی هنوز در جلیل بود، شاهد گسترش خدمت عیسی خواهیم بود.

در اینجا، او به مناطق دیگری در منطقه جلیل نقل مکان خواهد کرد. ما از کسانی که از او پیروی می‌کنند مطلع خواهیم شد و گفتمان تعلیمی فوری که لوقا برای ما ثبت خواهد کرد، به صورت تمثیل خواهد بود. اجازه دهید چند آیه بعدی از ۱ تا ۲۱ از فصل ۸ را اینگونه بنامیم: عیسی به صورت تمثیل تعلیم می‌دهد.

در ادامه‌ی این جلسه، توجه شما را به این نکته جلب می‌کنم که این انجیل با خلاصه‌ای کوتاه از روایت سفر آغاز می‌شود و پس از آن عیسی مثلی را بیان می‌کند که به مثل برزگر معروف است. او پس از بیان مثل، به سرعت دلایلی را که برای آنها از مثل استفاده می‌کند، توضیح می‌دهد. برخلاف هر مثل دیگری که از عیسی در انجیل‌ها می‌شناسیم، در این انجیل، او معنای دقیق مثل برزگر را ارائه می‌دهد و ما به تفصیل به آن خواهیم پرداخت.

گویی این تمثیل، مسائل اصلی مورد علاقه‌ی او را بیان نمی‌کند، بنابراین عیسی در ادامه تمثیلی از بره ارائه می‌دهد. سپس، در آن صحنه، برادران، یعنی خواهر و برادرهای عیسی، از راه می‌رسند و به او اطلاع داده می‌شود که خواهر و برادرهایش می‌خواهند او را ببینند. و در اینجا، عیسی در ادامه ثابت می‌کند که خوشیاوند واقعی او کسانی هستند که به آموزه‌های او گوش می‌دهند و از آنها اطاعت می‌کنند.

قبل از اینکه به سراغ مثل‌ها برویم، لحظه‌ای مکث کنید. بیایید فصل ۸ را از آیات ۱ تا ۳ بخوانیم. قبل از اینکه لوقا به سراغ مثل برود، به برخی جزئیات در مورد آنچه که او سعی دارد به ما منتقل کند، توجه کنید. و می‌خوانم ESV من از

، کمی بعد، او در شهرها و روستاها می‌گشت و پادشاهی خدا را اعلام می‌کرد و مژده می‌داد. در روز دوازدهم چند زن که از ارواح پلید و بیماری‌ها شفا یافته بودند، نیز با او بودند. مریم معروف به مجدلیه که هفت دیو از او بیرون رفته بود.

یوانا، همسر خوسا، سوزانا، مباشر خانه هارولد و بسیاری دیگر از دارایی خود، مخارج آنها را تأمین می‌کردند. همانطور که به این متن توجه می‌کنید، قبل از ادامه مطلب، بیایید چند نکته سریع را بررسی کنیم. عیسی که با گروه فریسیان از صحنه خارج می‌شود، از شهرها و روستاها به آنجا خواهد رفت و در مورد پادشاهی خدا صحبت خواهد کرد، اعلام خواهد کرد و مزده آن را خواهد آورد.

آوردن و اعلام پادشاهی خدا قدرتمند است. پادشاهی خدا در خدمت عیسی یک پادشاهی جغرافیایی نیست. این سلطنت خداست.

این قدرت خداوند در تجلی است. این سلطنت خداوند بر زندگی، قلب و ذهن مردم است. این خداوند است، که قدرت خود را بر سه دشمن غالب اعمال می‌کند تا به آنچه که برای انجام آن در جهان ما آمده است، دست یابد.

دشمنان پادشاهی خدا انسان‌ها نیستند. آنها گناه، مرگ و شیطان هستند. خدا برای سلطنت می‌آید و قدرت خود را بر همه اینها نشان می‌دهد.

عیسی از شهرها و روستاها می‌رود و بشارت پادشاهی خدا را اعلام می‌کند. پادشاهی خدا قدرتمند و آشکار است. عیسی بشارت را اعلام کرد، بشارتی که برای شنوندگان شفا به ارمغان می‌آورد و برای کسانی که او را می‌شنوند، بازسازی، بخشش و آرامش به ارمغان خواهد آورد.

او پادشاهی خدا را می‌آورد، زمانی که قدرت خود را نشان می‌دهد و بیماران، دیوزدگان، کسانی که برای ملاقات با خدا و دریافت سلامتی می‌آیند را آزاد می‌کند. لوقا به ما می‌گوید که عیسی در سفر خود از میان شهرها و روستاها تنها نبود. او با دوازده نفری که لوقا در این زمان به ما گفته بود که رسولان نامیده می‌شوند، همراه بود.

در میان آن دوازده نفر، چند زن نیز در تیم حضور داشتند. در اینجا، می‌خواهم به نقش زن در تیم توجه دقیقی داشته باشیم، که مربوط به دو کاری است که لوقا در اینجا سعی در انجام آن دارد. او همین الان در مورد یک زن گناهکار در چارچوب فریسیان صحبت کرد، و در اینجا، با اعلام خبر خوش، به زنان نیز اشاره می‌کند و علاقه خود را به نقش زنان در خدمت نشان می‌دهد.

اما سپس لوقا به آوردن قدرت پادشاهی خدا از شهرها و روستاها نیز اشاره می‌کند، و لوقا به ما نشان می‌دهد که اینها زنانی هستند که از خدمت پادشاهی خدا بهره‌مند شده‌اند. چه کسی از خدمت عیسی پیروی می‌کند زیرا آنها دریافت‌کننده و بهره‌مند از آنچه این خدمت به ارمغان می‌آورد، بوده‌اند؟ بیایید به این زن در خدمت عیسی نگاه کنیم.

به طور خاص از سه نفر نام برده شده است. وقتی به شرح حال این زن فکر می‌کنیم، لوقا به ما می‌گوید که آنها در ابتدا زنی به نام مریم از شهر مجدلیه هستند. این زن اغلب به عنوان مریم مجدلیه، یعنی مریم مجدلیه، شناخته می‌شود.

و سپس زن دیگری به نام یوانا و سپس زن دیگری به نام سوزانا وجود دارد. لوقا به سرعت این سه نام را ذکر می‌کند و سپس نام‌های بسیار دیگری را نیز می‌گوید که نشان می‌دهد این سه نفر، زنان بسیار برجسته‌ای هستند. لوقا به ما یادآوری می‌کند که آنها از خدمت عیسی بهره‌برده‌اند.

او می‌گوید که آنها از ارواح شیطانی شفا یافته‌اند. بله، آنها از ارواح شیطانی شفا یافته‌اند. داشتن جایگاه عالی، قدرت مالی و موقعیت اقتصادی مناسب در انجیل لوقا مانع از آن نمی‌شود که فرد تحت تأثیر ارواح شیطانی قرار نگیرد یا از نیاز به ملاقات با عیسی مسیح مصون نباشد.

او به طور خاص درباره مریم مجدلیه صحبت می‌کند و می‌گوید این زنی است که هفت دیو از او بیرون رانده شده بود. هر وقت این را می‌خوانم، مکث می‌کنم و به این فکر می‌کنم که اگر یک زن برجسته هفت دیو داشته باشد و دیوها به لطف خدا از آن شخص بیرون بیایند، چه اتفاقی در کلیساهای ما امروز خواهد افتاد. تصور کنید که آن شخص امروز چه ننگی را در کلیساهای ما به دوش خواهد کشید.

تصور کنید که یک فرد چه مشکلات ادراکی و ارتباطی ممکن است داشته باشد. تصور کنید که مردم چقدر گذشته او را به زمان حالش ربط می‌دهند تا حتی مسیر آینده‌اش را تعیین کنند. اما می‌بینید، لوقا می‌خواهد به شما بگوید که عیسی او را از این هفت روح شیطانی شفا داد و این پایان ماجرا نخواهد بود، زیرا ما در انجیل‌ها درباره مریم مجدلیه خواهیم شنید و خواهیم خواند.

لوقا بعداً درباره او بیشتر به ما خواهد گفت. یوحنا درباره او حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. این زنی است که اولین کسی خواهد بود که درباره خداوند قیام کرده شهادت خواهد داد.

اگر پیام قیام مسیح را دوست دارید، او واقعاً قیام کرده است. این پیام ابتدا به یک زن داده شد تا به مردانی که خارج از صحنه بودند، برساند و مریم مجدلیه آن زن بود. در اینجا، این نقشی نیست که او ایفا می‌کند.

او و دیگر زنان اینجا بودند تا از خدمت عیسی حمایت کنند. بنابراین لوقا می‌خواهد به ما بگوید که این زن مهم، دیوزده بود. اما به زن دومی که او از آن نام می‌برد، یوانا، نگاه کنید.

او می‌خواهد ما بدانیم که یوانا همسر خوزا است. شوهر یوانا، والی هیرودیس، شاید هیرودیس آنتیپاس در جلیل، بود. این زن، زن برجسته‌ای است.

و بعد سوزانا و بسیاری دیگر را داریم. بنابراین، تصور کنید که یوانا، همسر خوزا، زنی برجسته در نظام است. از نظر ما، برخی گفته‌اند که شاید او همسر است، او مدیر شوهر، مدیر هیرودیس پادشاه است.

این شخصیت هر که باشد، لوقا می‌خواهد شما بدانید که زنان برجسته‌ای بودند که از عیسی پیروی کردند و کاری انجام دادند. خدمت آنها بسیار بسیار خاص بود. آنها به عیسی و دوازده شاگردش خدمت کردند.

و آنها این کار را با تأمین نیازهایشان انجام می‌دادند. من کلمه یونانی را دوست دارم که توضیح می‌دهد آنها واقعاً خدمت می‌کردند. بیشتر شبیه کلمه‌ای است که می‌گوید آنها با جوهره خود خدمت می‌کردند.

بعداً در فصل ۲۳ به این زن گفته خواهد شد که آنها آنجا خواهند بود تا شاهد اعدام عیسی باشند و دو نفر از آنها شاهدان سد در فصل ۲۳ خواهند بود. و مریم و یوانا از اولین کسانی خواهند بود که شاهد رستاخیز خواهند بود. ما در اینجا الگوهای جالبی پیدا می‌کنیم که مربوط به رسم و رسوم است.

ما متوجه می‌شویم که نه تنها زنان در خدمت عیسی از او پیروی می‌کردند، بلکه لوقا می‌خواهد به ما بگوید که زنان متأهل نیز از عیسی پیروی می‌کردند. من این موضوع را بسیار جالب می‌دانم که زنان متأهل از عیسی پیروی خواهند کرد. با این حال، وقتی به ادبیات خاخام‌ها نگاه می‌کنیم، غیرمعمول نیست که زنان نیازهای خاخام‌ها را برآورده کنند.

بنابراین، تصور این که زنانی که خدمت عیسی را به عنوان یک معلم بزرگ درک کرده‌اند، در او کسی را پیدا کنند که باید در این زمینه از او حمایت کنند، واقعاً دشوار نیست. آنها نیازهای او را برآورده کردند. با این اوصاف، لوقا به سرعت عمل خواهد کرد. عیسی پادشاهی خدا را اعلام و به ارمغان خواهد آورد و شروع به صحبت با تمثیل‌ها خواهد کرد.

تا اینجا این سخنرانی، چیز زیادی در مورد مثل‌ها نگفته‌ام. بنابراین، قبل از اینکه به خواندن مثل برزگر در لوقا بپردازیم، یک مرور کلی از آنچه که به طور خاص در مورد مثل‌های عیسی در لوقا وجود دارد، به شما ارائه می‌دهم. به این ترتیب، وقتی به مثل‌های دیگر می‌رسیم، وقت زیادی را صرف معرفی مثل‌ها نخواهم کرد.

خب، اصلاً مثل چیست؟ به معنای وسیع‌تر، مثل یک قیاس است، یک مقایسه است. به پارا فکر کنید چیزی که در کنار هم قرار می‌گیرد. گاهی اوقات در مثل‌ها، عیسی از تضاد استفاده می‌کرد تا بتواند مخاطب را هنگام روایت داستان متقاعد و متقاعد کند.

عیسی اغلب از تمثیل‌ها برای آشکار کردن جنبه‌های مختلف پادشاهی خدا و برانگیختن پاسخ‌های مناسب در رابطه با نحوه برخورد با خدا و ارتباط با او استفاده می‌کرد. تمثیل‌ها داستان‌های واقعی نیستند، اما قیاس هستند. عیسی گاهی اوقات از شرایط واقعی انتخاب می‌کرد و سناریوهایی را بازسازی می‌کرد تا افکار مقایسه‌ای ایجاد کند، الگوی فکری را تحریک کند و نکته خود را برای مخاطبانش کاملاً روشن کند.

وقتی عیسی با تمثیل صحبت می‌کند، چیزهایی را که آشنا هستند برمی‌دارد و با استفاده از تشبیهات، آنها را در آموزه‌های خود به کار می‌گیرد تا مردم از تصاویری که در ذهن ناخودآگاهشان آشنا هستند برای تصور مفاهیم، محتوا و جوهره پادشاهی خدا که عیسی بیان می‌کند، استفاده کنند. عیسی چهار نوع تمثیل در انجیل‌ها ارائه می‌دهد. لوقا آنها را نشان می‌دهد و لوقا برخی از به یاد ماندنی‌ترین و جالب‌ترین تمثیل‌های تمام انجیل‌ها را به ما ارائه می‌دهد.

چهار نوع مثل که عیسی در آموزه‌های خود، طبق گفته داوود، به شرح زیر استفاده خواهد کرد، مثل‌هایی که به شکل تمثیل ارائه می‌شوند؛ مثل‌هایی که به شکل تشبیه ارائه می‌شوند، مثل‌های به معنای واقعی کلمه، که معمولاً قیاس هستند. و داستان‌های عبرت‌آموز مانند آنچه بعداً در مورد سامری نیکوکار خواهیم دید عیسی از این چهار نوع مثل استفاده می‌کند تا پیام پادشاهی خدا را در تخیل مخاطبانش روشن و در عین حال زنده کند. من تعریف سی. اچ. داد از مثل‌ها را دوست دارم.

وقتی او می‌نویسد که وقتی به تمثیل‌ها و تعریف آنها فکر می‌کنیم، باید به بیان طبیعی ذهنی فکر کنیم که حقیقت را در تصاویر ملموس می‌بیند نه در مفاهیم انتزاعی. به عبارت دیگر، به جای پیروی از مفاهیم در آموزه‌های عیسی، عیسی تصاویری متصل به مفاهیم به شما می‌دهد تا بتوانید مفهوم را در تصاویر ملموس تصور کنید. عیسی معلم بزرگی بود.

چند سال پیش، دانش‌آموزی داشتم که از یکی از مدارس خواهرخوانده‌مان در منطقه بوستون بزرگ منتقل شده بود. این دانش‌آموز دانشجوی فلسفه در آن مدرسه بود و به عنوان دانشجوی فلسفه با گرایش فرعی مطالعات کتاب مقدس به اینجا آمده بود. در کلاسی که تدریس می‌کردم، آن دانش‌آموز مرا به یاد استاد سابقش در آن مدرسه در منطقه بوستون بزرگ انداخت.

استاد فلسفه‌اش تصمیم گرفت درسی در مورد تمثیل‌های عیسی تدریس کند. تنها مشکل این بود که استاد فلسفه، خدانا باور بود. دانشجو برایم تعریف کرد که کل کلاس به استاد اختصاص داده شده بود و توضیح داد که عیسی یک استاد چیره‌دست بود.

اگر همه معلمان می‌توانستند توانایی عیسی در انتقال مفاهیم از طریق تمثیل‌ها را درک کنند، دنیا جای بهتری می‌شد. استاد ملحد دانشجویانش، از جمله این دانشجوی خاص که من در کالج گوردون داشتم، را متقاعد می‌کرد که اگر از چیزی در مورد عیسی خوششان نمی‌آید، باید تمثیل‌های او را دوست داشته باشید. من موافقم.

و من هم به آن دانش‌آموز گفتم. عیسی یک معلم چیره‌دست بود. بنابراین، هر زمان که به تمثیل‌های عیسی می‌رسیم، لطفاً با دقت توجه کنید و پیام‌های قدرتمندی را که از طریق تمثیل‌ها منتقل می‌شوند و هنر ادبی که لوقا در نحوه انتقال این پیام به صورت نوشتاری به ما نشان می‌دهد، درک کنید.

اما قبل از اینکه به اولین مورد در فصل ۸ نگاهی بیندازیم، می‌خواهم فهرستی از تمثیل‌ها را به شما ارائه دهم، زیرا شما از بسیاری از آنها که در هیچ انجیل دیگری به جز لوقا یافت نمی‌شوند، آگاه هستید. بنابراین همانطور که به تمثیل‌های لوقا می‌پردازیم، شما کم‌کم متوجه می‌شوید که لوقا همان انجیلی است که می‌خواهید دوست داشته باشید و واقعاً هم دوست دارید. و تمثیل‌های او به یاد ماندنی‌ترین و آنهایی هستند که بیشتر دوست دارید.

بنابراین، در اینجا فهرستی سریع از تمثیل‌هایی که مختص لوقا هستند، آورده شده است. سپس، به بررسی یکی از تمثیل‌هایی که لوقا درباره آنها می‌نویسد، خواهیم پرداخت. لوقا تنها کسی است که درباره تمثیل دو بدهکار که در سخنرانی قبلی درباره آنها صحبت کردم، می‌نویسد. لوقا تنها کسی است که درباره تمثیل سامری نیکوکار برای ما می‌گوید، که ما هنوز در این مجموعه به آن نپرداخته‌ایم.

لوقا تنها کسی است که درباره دوست بدشانسی که ظاهر می‌شود و درخواست کمک می‌کند، برای ما تعریف می‌کند. او تنها کسی است که این تمثیل را برای ما تعریف می‌کند. مسیحیان پولدار و احمق که برای جمع‌آوری کمک‌های مالی می‌آیند، این تمثیل را دوست دارند.

لوقا تنها کسی است که در مورد این مَثَل برای ما می‌گوید. لوقا تنها کسی است که در مورد مَثَل درخت انجیر بی‌ثمری که در یک ضیافت قرار داده شده بود، صحبت می‌کند. لوقا تنها کسی است که این مَثَل را به ما ارائه می‌دهد.

بله، لوقا چیزهای بیشتری دارد. او تنها کسی است که در باب ۱۴، مَثَل یک سازنده برج و پادشاهی که به جنگ می‌رود را برای ما نقل می‌کند. او تنها کسی است که مَثَل سکه یا درآخامای گمشده را برای ما تعریف می‌کند.

تمثیل پسر گمشده یکی از تمثیل‌های مورد علاقه‌ی من است. لوقا تنها کسی است که این را به ما می‌گوید. لوقا تنها کسی است که این تمثیل بحث‌برانگیز، تمثیل مباشر ظالم، را برای ما تعریف می‌کند.

وقتی به آنجا رسیدیم، به شما خواهیم گفت که چرا این موضوع بحث‌برانگیز است. او تنها کسی است که در مورد مَثَل مرد ثروتمند و ایلعازر صحبت می‌کند. مَثَل پاداش مباشر، پاداش استیفان

، فقط لوقا این را به ما می‌گوید. مَثَل قاضی ظالم و مَثَل فریسی و باجگیر. توجه داشته باشید که گفتم باجگیر، نه جمهوری‌خواه.

اگر به تمثیل‌هایی که لوقا ارائه می‌دهد و سایر انجیل‌ها در مورد آنها چیزی ننوشته‌اند نگاه کنید، برای اکثر مردم، آنها تنها تمثیل‌هایی هستند که به خاطر می‌سپارند. همانطور که به تمثیل‌های لوقا می‌پردازیم، دوست

دارم به آنها توجه کنید زیرا آنها فقط داستان نیستند، همانطور که قبلاً سعی کردم توضیح دهم. این عیسی است که مفاهیم عمیق را در تصاویر ملموس منتقل می‌کند.

کاری که من اینجا سعی می‌کنم انجام دهم این است که تصاویر را واضح‌تر کنم تا محتوا برای شما روشن‌تر و واضح‌تر شود. من ادعا نمی‌کنم که به خوبی عیسی معلم هستم. شاید شما کسی را بشناسید که چنین باشد اما من نه.

اما من تا حد امکان سعی خواهم کرد پیام عیسی را از طریق این تمثیل‌ها بیان کنم. بنابراین، بیایید از آیات ۴ تا ۸ از لوقا، فصل ۸، شروع به خواندن کنیم. و هنگامی که جمعیت زیادی جمع شدند و مردم از شهرهای مختلف به نزد او آمدند، او در یک مَثَل گفت: «برزگری برای کاشتن بذر خود بیرون رفت. و هنگامی که او بذر می‌پاشید، مقداری از آنها در امتداد راه افتاد و زیر پا له شد»

و پرندگان هوا آن را خوردند. و مقداری بر صخره افتاد و چون رشد کرد، خشک شد زیرا رطوبتی نداشت. مقداری نیز در میان خارها افتاد و خارها با آن رشد کردند و آن را خفه کردند.

بعضی از آنها در خاک خوب افتادند و رشد کردند و صد برابر ثمر آوردند. همچنان که این سخنان را می‌گفت، فریاد زد: ای هر که گوش شنوا دارد، بشنود. و چون عصایش از او پرسید که این مَثَل چیست، گفت: به تو داده شده است که اسرار پادشاهی خدا را بدانی.

اما برای دیگران، آنها در قالب مَثَل‌ها هستند، تا ببینند که نمی‌بینند و بشنوند که نمی‌فهمند. حال، مَثَل این است: بذر، کلام خداست. کسانی که در مسیر هستند، کسانی هستند که شنیده‌اند

سپس شیطان می‌آید و کلام را از دل‌هایشان می‌رباید تا ایمان نیاورند و نجات نیابند. و آنان که بر سنگلاخ هستند، کسانی هستند که چون کلام را می‌شنوند، آن را با شادی می‌پذیرند. اما اینها ریشه ندارند؛ مدتی ایمان می‌آورند و در هنگام آزمایش، از ایمان روی برمی‌گردانند.

و آنچه در میان خارها افتاد، کسانی هستند که می‌شنوند، اما همچنان که به راه خود ادامه می‌دهند، نگرانی‌ها، و ثروت و لذت‌های زندگی آنها را خفه می‌کند و میوه آنها به بار نمی‌آید. و کسانی که در خاک خوب هستند، کسانی هستند که کلام را می‌شنوند، آن را با قلبی پاک و نیکو نگه می‌دارند و با صبر، ثمر می‌دهند.

در این مَثَل که به مَثَل برزگر معروف است، عیسی توجه ما را به زمینی که بذر در آن می‌افتد جلب می‌کند. زمین نقطه کانونی است زیرا او از زمین به عنوان تصویری برای نشان دادن پذیرش پیام پادشاهی خدا استفاده می‌کند. اگر زمین خوب باشد، بذر می‌نشیند و بذر رشد خواهد کرد.

شرایط زمینی که بذر روی آن می‌افتد، قابلیت رشد و ثمردهی بذر را تعیین می‌کند. پذیرش و قلبی که پیام پادشاهی را دریافت می‌کند، در این تمثیل اهمیت زیادی دارند. در اینجا به زمینی که موقعیت نام دارد توجه کنید.

عیسی درباره لذت‌های گران‌بهای زندگی و تعهد صحبت می‌کند. بعداً، او درباره اینکه چه قلب صادق و خوبی است که میوه را دریافت می‌کند، صحبت خواهد کرد. او با گفتن اینکه میوه را دریافت می‌کند و با صبر میوه می‌دهد، آن را توصیف می‌کند.

وقتی عیسی دلیل این مثل را بیان می‌کند، به شاگردان می‌گوید که آنها خاص هستند زیرا به آنها در مورد این موضوع بینش داده می‌شود. اما آنها نباید آن را از دست بدهند. به همان اندازه که زمین مهم است، آنها باید بدانند که بذر چیست.

بذر، کلام است. بذر، پیام است. و باید بدانید که در لوقا، کلام بسیار مهم است.

پیام عیسی گاهی اوقات به عنوان کلمه توصیف می‌شود. اگر به ویژه به اعمال رسولان در جلد دوم لوقا مراجعه کنید، آنچه در جهان پخش می‌شود کلمه است. بذر، کلمه است.

من سعی می‌کنم آن را به صورت تصویری توضیح دهم تا توضیح دهم که عیسی در اینجا چه می‌کند و چند نکته را در این مثل برجسته کنم. اول، او گفت که یک دانه در امتداد مسیر افتاد. آن دانه زیر پا له شد.

انفجار هوا آن را بلعید. اما لطفاً به نحوه‌ی توضیح او خوب توجه کنید. آن افراد شنیدند

اما پرندگانی که آمدند شیطان هستند. در اینجا، می‌خواهم به شما یادآوری کنم که اگر با شیطان‌شناسی راحت نیستید، لوقا دوست دارد که جهان‌بینی او را درک کنید. در جهان‌بینی لوقا، شیاطین مردم را تسخیر می‌کنند و مردم از ارواح شیطانی شفا می‌یابند، مانند مریم مجدلیه.

در دنیای لوقا، شیطان دشمنی است که علیه پادشاهی خدا عمل می‌کند و هر کاری می‌کند تا مسیر عمل خدا را تضعیف کند. در این تمثیل، وقتی عیسی تمثیل را بیان می‌کند، اولین چیزی که می‌خواهد خوانندگان بفهمند، نقش شیطان در پذیرش است. بله، ممکن است بگویید، از لهجه شما می‌توانم بفهمم که شما باید آفریقایی باشید و دوست دارید در مورد شیاطین صحبت کنید.

اول اینکه، من آفریقایی هستم، پس حق با شماست. دوم اینکه، من دوست دارم در مورد شیاطین صحبت کنم. بله، چون لوقا در مورد شیاطین صحبت می‌کند.

بنابراین، لوک هم باید آفریقایی باشد. اما برای یک دقیقه، بیایید بیشتر در مورد کاری که لوک اینجا انجام می‌دهد توضیح دهیم. از نظر لوک، شیطان عیسی را وسوسه کرد تا او را از آنچه خدا می‌خواهد در جهان انجام دهد، محروم کند.

شیطان انسان‌ها را تسخیر می‌کند تا آنها را علیه وجود و جوهره وجودی‌شان که خدا آنها را آفریده است، نابود کند، و عیسی آنها را آزاد می‌کند. شیطان تلاش می‌کند تا رفاه و آسایش بسیاری از مردم را تضعیف کند، و خدا در قدرت پادشاهی خدا دخالت می‌کند و آنها را آزاد می‌کند. اما در اینجا نیز، در این تمثیل عیسی می‌گوید که شیطان، به شیوه‌ای بسیار حيله‌گرانه، سعی کرد مانع از دریافت کلام خدا توسط مردم شود.

وقتی در نیمکره غربی زندگی می‌کنید، جایی که شیطان و هر مفهومی از شیطان با شک و تردید پذیرفته می‌شود و از خود می‌پرسید که این چیز عجیب در مورد شیطان چیست، فکر کردن به آن دشوار است. خب، من اینجا نیستم که شما را متقاعد کنم که اینطور نیست. فکر می‌کنم تمام کاری که اینجا سعی دارم انجام دهم این است که اجازه ندهیم آنچه لوقا سعی دارد در این پیام منتقل کند، نادیده گرفته شود.

وقتی کلام کاشته می‌شود، شیطان می‌آید و کلام را می‌رباید. ببینید کلام را از کجا می‌رباید. او کلام را از دل‌های این مردم می‌رباید تا ایمان نیاورند و نجات نیابند.

بعداً خواهیم دید که وقتی عیسی شاگردان را برای انجام مأموریت‌ها می‌فرستد، به آنها قدرت بر شیطان و نیروهایش را می‌دهد، زیرا در لوقا، اینها موانع اصلی در برابر آنچه خدا انجام می‌دهد هستند. در کیهان‌شناسی روح لوقا، ارواح شیطانی در زندگی مردم فعال هستند و می‌توانند آنچه را که خدا برایشان دارد از مردم بدزدند. اما خدا، خدای قدرتمند، وقتی در پادشاهی خدا به سلطنت برسد، می‌تواند بر نیروهای تاریکی غلبه کند و کسانی را که توسط نیروهای تاریکی اسیر و نابود شده‌اند، آزاد کند.

لوقا گفت برخی کلام را دریافت می‌کنند، اما وضعیت قلبشان درست نخواهد بود، بنابراین شیطان آن را از آنها خواهد گرفت. اما او می‌گوید کسی که بر روی سنگ می‌افتد، در این تشبیه، سنگ رشد کرد و پژمرده شد زیرا رطوبتی نداشت. او چگونه فقدان رطوبت را توضیح داد؟ او گفت کسانی که کلام را می‌شنوند، آن را با شادی می‌پذیرند، اما ریشه‌ای ندارند.

آنها مدتی ایمان دارند، و در مواقع آزمایش، در مواقع طوفان، از ایمان خود دور می‌شوند. عیسی هنوز در مورد پذیرش کلام تعلیم می‌دهد. و او می‌گوید کسانی هستند که زود باورند، اوه، من عیسی را شنیده‌ام، من عیسی را می‌شناسم.

«اگر مثل من باشید، چند نفر از این افراد را در کلیسا دیده‌ام. آنها تمام مزامیر عیسی را دارند. آنها تمام «ای مسیحی را دارند».

اگر در حال موعظه باشید، قبل از اینکه یک جمله‌تان تمام شود، سه بار «هله‌لویا» می‌گویند. و به محض اینکه شرایط سختی برایشان پیش می‌آید، عیسی را محکوم می‌کنند. می‌گویند من دیگر نمی‌خواهم مسیحی باشم.

لوقا گفت که این حقیقت دارد، این واقعیت دارد که وقتی کلام منتشر می‌شود، کسانی هستند که قلبشان آن را می‌پذیرد. و به دلیل شرایط قلب، این اتفاق می‌افتد. سوم اینکه او گفت دانه در میان خارها می‌افتد.

وقتی بزرگ می‌شود، با خارها بزرگ می‌شود. اما مسئله این است که خارها آن را خفه می‌کنند. و وقتی عیسی این را توضیح می‌دهد، می‌گوید آنها کسانی هستند که می‌شنوند، اما وقتی به راه خود ادامه می‌دهند، خفه می‌شوند.

چرا آنها خفه می‌شوند؟ آنها توسط نگرانی‌ها، ثروت‌ها و لذت‌های زندگی خفه می‌شوند. بنابراین، میوه بالغ نمی‌شود. وقتی به این تمثیل نگاه می‌کنم و به سال‌های کوتاه خدمت‌م فکر می‌کنم، فکر کردن به وضعیت قلب و اینکه چگونه کلام در این خارها می‌افتد و نگرانی‌ها و ثروت‌ها مردم را خفه می‌کنند، بسیار درست است.

من افراد زیادی را می‌شناسم که بدون هیچ بحرانی، مسیحیان خوبی می‌شوند و خدا را دوست دارند. به محض اینکه می‌بینند خودشان را در دردسر بزرگی می‌اندازند، بیشترین نیاز را به عیسی مسیح دارند. من افرادی را دیده‌ام که بی‌پول بوده‌اند و به راهشان با خدا بسیار متعهد بوده‌اند.

وقتی پولی به دست می‌آورند یا از نظر مالی وضعیتشان خوب می‌شود، آنقدر سرشان شلوغ می‌شود که نمی‌توانند به کلیسا بروند یا به عیسی فکر کنند. فکر می‌کنند که همه چیز را تحت کنترل دارند. اما به قول عیسی، خفه می‌شوند.

آنها در شرایط اطرافشان خفه می‌شوند. آنها در لذت‌هایشان خفه می‌شوند. آنها در فشارهای اطرافشان خفه می‌شوند.

بنابراین آن دو کلمه کلیدی، لذت‌ها و فشارهای اطرافشان، آنها را از جایی که قرار است باشند تا میوه بدهند و بالغ شوند، دور می‌کنند. اما می‌بینید، دانه‌ای که در خاک خوب می‌افتد یک فعل ساده است: رشد کرد. و آن دانه تنها چیزی را به بار آورد که از نظر عددی واجد شرایط است، صد برابر

عیسی در توضیح گفت کسانی که کلام را می‌شنوند، آن را در قلبی پاک و نیکو محکم نگه می‌دارند. و در نتیجه، با صبر، ثمر می‌دهند. مثل بذر، اعلام پادشاهی خدا توسط عیسی را توصیف می‌کند و شاگردان، زنان و همه کسانی را که از عیسی پیروی می‌کنند، آماده می‌سازد.

اما وقتی آنها به خدمت خود ادامه می‌دهند، باید انتظار این استقبال را داشته باشند. بنابراین، اشکالی ندارد وقتی می‌بینید برخی از این موارد به واقعیت می‌پیوندند. در واقع، عیسی، در لوقا فصل ۸، می‌خواست اطرافیانش آگاه باشند که این چیزی است که با خدمت همراه است.

بعضی‌ها آن را با قلبی خالص، صادق و نیک دریافت می‌کنند. بعضی‌ها قلبشان در جای درست خود نیست. بعضی‌ها، شیطان در تلاش است تا آنها را بدزد.

آیا این باید دلسردکننده باشد؟ نه. آیا اگر ثمره را نبینید، عقب‌ماندگی محسوب می‌شود؟ بله. نکته‌ی عیسی به شاگردان در اینجا و تصویری که لوقا از آن ارائه می‌دهد این است که عیسی با این فکر که همیشه موفق خواهد بود، به رسالت خود نمی‌پردازد.

اما در واقع، او به جمعیت حاضر در میان شاگردان و زنان تعلیم می‌دهد که کاملاً از این چهار امکان برای پذیرش پیامی که اعلام کرده آگاه است. سپس به آیه ۱۶ می‌رود و این مثل را که خود گویای همه چیز است بیان می‌کند. او در ادامه می‌گوید که هیچ‌کس پس از روشن کردن چراغ، آن را با ظرف نمی‌پوشاند یا زیر تخت نمی‌گذارد، بلکه آن را روی پایه قرار می‌دهد تا کسانی که وارد می‌شوند نور را ببینند.

زیرا هیچ چیز پنهانی نیست که آشکار نشود. و هیچ چیز پنهانی نیست که آشکار و هویدا نگردد. پس مراقب باشید، به آیه ۱۸ توجه کنید، مراقب باشید که چگونه می‌شنوید.

باز هم، پذیرایی. زیرا به کسی که بیشتر دارد، داده خواهد شد و از کسی که ندارد، حتی آنچه را که فکر می‌کند دارد، از او گرفته خواهد شد. نکته‌ی عیسی این است: برخی ممکن است بگویند که من قلب خوبی دارم و کلام را پذیرفته‌ام.

ممکن است برخی بگویند من مانند آن کسی که در کنار جاده افتاد، آن کسی که روی سنگ افتاد یا آن کسی که در خارها افتاد نیستم. اما عیسی گفت می‌دانید چیست؟ ما خواهیم فهمید. مثل دوم توضیح می‌دهد که ما خواهیم فهمید.

حتی سعی نکن با کسی بحث کنی، چون نمی‌توانی نوری را زیر بوته پنهان کنی. بالاخره خودش را نشان خواهد داد. بگذار همانطور که در آیه ۱۸ بیان کرد، همه چیز روشن باشد.

هیچکس نباید دچار توهم شود، بلکه باید مراقب باشد که چگونه کلام خدا را می‌شنود. همانطور که او قبلاً گفت، کسانی که گوش شنوا دارند، باید بشنوند. زیرا اگر ندارند، توجه کنید که او آیه ۱۸ را چگونه بیان می‌کند.

کسانی که می‌شنوند، به آن که بیشتر دارد، بیشتر داده خواهد شد. و سپس او در آنجا با این کنایه بازی می‌کند. اما از آن که ندارد، حتی آنچه فکر می‌کند آن چیزی نیست که دارد، آنچه فکر می‌کند دارد، آنچه می‌خواهد حدس بزند که دارد، از او گرفته خواهد شد.

در این لحظه، در میان جمعیت، در حالی که او این سخنرانی قدرتمند را ایراد کرده بود، مادرش ظاهر شد. مادر عیسی و مریم به همراه برادرانش ظاهر شدند. و آنها به سمت او آمدند، اما به گفته لوقا، به دلیل ازدحام جمعیت نتوانستند به او برسند.

همانطور که به او گفته شد، مادر و برادران بیرون ایستاده‌اند و مشتاق دیدن تو هستند، اما عیسی به آنها پاسخ داد، مادر و برادر من کسانی هستند که کلام خدا را می‌شنوند و آن را انجام می‌دهند. لطفاً منظور لوقا را در اینجا درک کنید، زیرا افراد زیادی این متن خاص یا چند آیه را طوری توضیح داده‌اند که گویی عیسی خانواده طبیعی را دوست ندارد یا گویی عیسی آمده است تا خانواده طبیعی را با مفهوم خویشاوندی یا خانواده خویشاوندی خدا جایگزین کند. نه، نکته همچنان همان است که در آیه ۴ شروع کرد. وقتی عیسی این مثل را بیان کرد، این مثل را آورد تا بر کسانی که کلام را می‌شنوند و کلام را دریافت می‌کنند، تأکید کند.

کل تمثیل بزرگ این را توضیح می‌دهد. تمثیل بره نشان می‌دهد که اگر فکر می‌کنید می‌شنوید، اما نمی‌شنوید و دریافت نمی‌کنید، این مشکل‌ساز است. لوقا در اینجا در آیه ۲۱ این را به طور خلاصه بیان می‌کند تا بگوید، یک دقیقه صبر کنید، عیسی آماده است بگوید، شما باید شنیدن کلام خدا و انجام آن را بالاتر از هر چیز دیگری در اولویت قرار دهید.

او نمی‌گوید که اعضای خانواده‌ی طبیعی را از این امر مستثنی کنید. نه، آیه‌ی ۲۱ نکته‌ی کلیدی اینجاست. مردم باید شنیدن کلام خدا و انجام آن را بر برخی از مهم‌ترین مسئولیت‌ها در فرهنگ یهود، مانند حفظ تعهدات خویشاوندی، در اولویت قرار دهند.

عیسی نیامد تا روابط طبیعی خانوادگی را از بین ببرد. عیسی پادشاهی خدا را بالاتر از همه روابط قرار می‌دهد. اگر این را درک کنید، قلب عیسی را تسخیر کرده‌اید.

اگر به خودتان می‌گویید که به هر دلیلی، به خاطر این آیه، می‌توانید از خانواده‌تان غافل شوید و بعد به کار خدا در جایی ادامه دهید، یک لحظه صبر کنید. اینجا بحث این نیست. از مادر عیسی به عنوان مادر عیسی یاد می‌شد.

از این برادران به عنوان برادران عیسی یاد می‌شد. آنها هنوز خویشاوندان او بودند، اما در اینجا او بر اولویت شنیدن و عمل کردن تأکید می‌کند. باز هم، این یکی از مواردی است که مردم برای اشاره به بحث کاتولیک-پروتستان از آن استفاده کرده‌اند.

آیا اشاره به برادران به این معنی است که مریم فرزندی داشته است؟ من در روایت نوزادی توضیح دادم که بله، در این اشاره در فصل ۸، به نظر می‌رسد لوقا به ما القا می‌کند که عیسی برادرانی دارد، اما سنت‌های مختلف کلیسا سعی کرده‌اند توضیح دهند که کلمه برادر به چه معناست. دیدگاه سنتی کاتولیک این است که به پسرعموها و پسرعموهای درجه یک اشاره دارد. دیدگاه ارتدکس شرقی به این معنی است که به برادران ناتنی او اشاره دارد.

به عبارت دیگر، یوسف قبل از مریم فرزندی داشت و اینها برادران ناتنی او بودند. دیدگاه سنتی پروتستان برادران بیولوژیکی خواهد بود. همانطور که متن یونانی می‌گوید، کلمه آدلفوس به خودی خود برای پسرعموها استفاده نمی‌شود.

در موارد نادر، بله، اما در چنین مواردی، وقتی به شخصیت بیولوژیکی یا مادری در خانواده مربوط می‌شود، اغلب به برادر اشاره دارد. اما چه نوع برادری؟ ما در حوزه حدس و گمان هستیم. من به سنت‌ها و آنچه سنت‌های مختلف می‌گویند احترام می‌گذارم، اما بیشتر به دیدگاه سنتی پروتستان‌ها گرایش دارم که آمدن مادر و برادران برای ملاقات با عیسی در فصل ۸ لوقا به نظر من نشان می‌دهد که مریم فرزندان داشته است.

گذشته از همه اینها، یوسف دیگر در صحنه نیست. بنابراین، ما اطلاعات زیادی در مورد فرزندان یوسف نخواهیم داشت. و این تصور که سوال دومی که باید پرسید این است که اگر یوسف فرزندان بزرگتر از عیسی از خود به جا گذاشته است، آیا در صورت فوت یوسف، مسئولیتی متوجه مریم خواهد بود؟ این موضوع فرهنگی دیگری است که اگر در حال بررسی موضوع خویشاوندی در بستر فلسطین قرن اول هستید، باید بررسی کنید.

اما در اینجا، نمی‌خواهم از اصل مطلب غافل شوید. لوقا فصل ۸ را با خلاصه‌ای کوتاه از روایت سفر آغاز می‌کند و می‌گوید که عیسی در شهرها و روستاها می‌گشت و پادشاهی خدا را اعلام می‌کرد. سپس درباره زنی که او را در تأمین نیازهایشان همراهی می‌کرد، صحبت می‌کند.

در آنجا او به سرعت سه نفر از این زنان را که چهره‌های برجسته‌ای هستند، برجسته کرد. سپس او در ادامه شروع به گفتن بخشی از پیام‌های پادشاهی عیسی در قالب تمثیل‌ها می‌کند. در آنجا او تمثیل بذرکار را برای ما بیان می‌کند و بر لزوم دریافت کلام خدا و اینکه چگونه وضعیت قلب، زیست‌پذیری، رشد و بلوغ کسی را که می‌شنود تعیین می‌کند، تأکید می‌کند.

تمثیل بره تأکید می‌کند که هیچ‌کس نباید دچار توهم شود. اگر هر یک از ما ادعا کنیم که می‌شنویم، اما این در عمل ما منعکس نشود، ممکن است خودمان را فریب دهیم. او ما را به اقدام فرا می‌خواند و بر لزوم اولویت دادن به شنیدن کلام خدا و عمل به آن تأکید می‌کند.

حتی در شرایطی که موقتاً، اعضای خانواده به توجه شما نیاز دارند، باید شنیدن کلام خدا و عمل به آن و به طور دقیق، شنیدن کلام خدا در رابطه با پادشاهی خدا و عمل به آن را در اولویت قرار دهید. امیدوارم با دنبال کردن این مجموعه، شروع به درک اصل رسالت عیسی کنید.

و به خصوص وقتی که از تمثیل بزرگ پیروی می‌کنید، خودتان را در مورد وضعیت قلبتان بررسی می‌کنید. آیا این نوع قلب به سنگی تشبیه شده است که خارهای کنار جاده را در خود جای داده است؟ یا قلبی که به خاک خوب تشبیه می‌شود؟ امید من این است که هر کجا که هستید، این گذار را انجام دهید تا قلبتان آماده شود تا خاک خوبی باشد که کلام خدا بتواند روی آن کاشته شود و رشد کند و بالغ شود و مانند نوری که بر زبان بره قرار می‌گیرد، میوه دهد تا دیگران ببینند. در متی ۷ در کوه، متی در مورد این موضوع صحبت می‌کند و در متی ۵:۱۶ می‌گوید: بگذارید نور شما در برابر مردم بدرخشد تا اعمال نیک شما را ببینند و پدر شما را که در آسمان است، ستایش کنند.

از اینکه ما را در این مجموعه سخنرانی‌ها دنبال می‌کنید، متشکرم. امیدوارم خداوند شما را برکت دهد. چشمانتان را به روی چیزهای جدید در انجیل لوقا باز کند و شما را به رابطه‌ای عمیق‌تر با خود سوق دهد. مجدداً از شما متشکرم و امیدوارم این سفر یادگیری را با ما ادامه دهید.

خدا شما را حفظ کند.

من دکتر دانیل دارکو هستم در حال تدریس در مورد انجیل لوقا. این جلسه ۱۱، خدمت سیار، عیسی، زنان و تمثیل کشاورز است. لوقا ۸: ۱-۲۱